

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

محذور سوم در اینکه جمعی از اصولیین تقلید را به عمل بر طبق فتوای غیر، تفسیر نکرده‌اند این است که گفته‌اند در اعمال عبادی که قصد قربت لازم دارد اگر تقلید به معنای عمل باشد مستلزم دور است و دور هم محال است لذا مجبوریم تقلید را به مقدمات عمل تفسیر کنیم مثل التزام و اخذ و تعلم که توضیح این محذور بیان شد.

عرض می‌کنیم این محذور هم قابل دفع است.

بیان مطلب: شما ادعا کردید علم به عبادیت عمل متوقف بر تقلید است این مطلب قابل قبول نیست، یک طرف دور شما این بود، علم به عبادیت عمل متوقف بر تعلم فتوای مجتهد است نه تقلید. مثلاً زید تشخیص می‌دهد که عمرو مجتهد اعلم است، فتوای او را می‌فهمد که این مجتهد اعلم می‌گوید نماز میت واجب تعدی است هر چند هنوز طبق نظر این مجتهد عمل نکرده است ولی علم دارد به قربیت این عمل، لذا انجام این عمل که اسمش تقلید است (نماز میت خواندن) توقف دارد بر علم به عبادیت عمل، علم به عبادیت این عمل توقف دارد بر اینکه فتوای مجتهد را یاد بگیرد. فتوا را که یاد گرفت بعد عمل می‌کند و عملش تقلید می‌شود و دوری لازم نیامد.

محذور چهارم: گفته شده ما مواردی داریم که ناچاریم تقلید را به معنای التزام بگیریم و آن در مواردی است که فتاوی مجتهدین مختلف و متعارض می‌شود بخار آب نجس وقتی دوباره تبدیل به آب شد پاک است یا نجس است؟ بعضی از فقهاء می‌گویند پاک است و بعضی می‌گویند نجس است. مستدل می‌گوید عمل بر طبق هر دو فتوای متعارض معنا ندارد، تساقط دو فتوا هم خلاف سیره و اجماع است، لذا آقایان می‌گویند «اذا فتخیر»، این «فتخیر» یعنی به هر کدام که می‌خواهی ملتزم بشو، معنای تخییر التزام به یکی از این دو است، پس تقلید در این موارد به معنای التزام شد و در سایر موارد هم می‌گوییم معنای تقلید التزام است.

این محذور چهارم هم وجهی ندارد به خاطر اینکه بر فرض اینکه بگوییم تساقط نمی‌کنند و مکلف رجوع به احتیاط نکند و ملتزم شود به یکی از این دو فتوا، چه کسی گفته این التزام تقلید است؟ این مقدمه تقلید است وقتی عمل کرد مقلد می‌شود. پس التزام مقدمه عمل است که آن عمل تقلید است و بر التزام تقلید صدق نمی‌کند چون هنوز پیروی نکرده است.

نتیجه: تا اینجا ثابت شد ثبوت محذوری ندارد تقلید به معنای عمل باشد، این محذوراتی که **محقق خراسانی و صاحب فصول** گفتند به خاطر این محذورات تقلید را به عمل معنا نمی‌کنیم این محذورات ثابت نیست و باعث نمی‌شود از معنای تقلید به عمل دست برداریم. اما اثباتا در مقام بعدی که ادله مشروعیت تقلید را بررسی می‌کنیم آنجا کاملاً توضیح خواهیم داد که تقلید چه دلیلش حکم عقل باشد و چه دلیلش بناء عقلاء باشد و چه ادله لفظی باشد، آیات و روایات، همه این ادله ما را به یک محتوا می‌رساند و آن محتوا این است که عمل بر طبق نظریه مجتهد اشکال ندارد.

ادله هیچ دلالتی بر التزام و تعلم و اخذ فتوای غیر ندارد مگر به عنوان مقدمه عمل، توضیح مختصر آن این است که اگر دلیل مشروعیت تقلید حکم عقل باشد ما توضیح خواهیم داد مفصل که عقل حکم می‌کند کسی که خودش حجت تفصیلی بر انجام وظائفش ندارد باید در عمل به وظائفش به کسی مراجعه کند که او حجت تفصیلی دارد، در عمل به وظائف و این دلیل مشروعیت تقلید است، یعنی در عمل به وظائف پیرو غیر است.

اگر دلیل بر مشروعیت تقلید سیره عقلاء باشد مقتضای سیره هم این است که عمل کند به رأی متخصص و عقلاء عمل می‌کنند به رأی متخصص «حفظاً لنظام امورهم» چون می‌خواهند امورشان نظم داشته باشد و دارای نظام داشته باشد عمل می‌کنند به رأی متخصص چه التزام و اخذ و تعلم باشد یا نباشد.

اگر دلیل بر مشروعیت تقلید آیات قرآن باشد، کسانی که می‌گویند دلالت می‌کند، مثل آیه نفر، «لعلهم یحذرون»^۲ این غایتش می‌شود «حذر هو العمل علی قول المنذر»، یعنی عمل کند بر طبق قول منذر، حالا دلالت می‌کند یا نه بعداً بحث می‌کنیم. اگر کسی

^۱ - جلسه ۵۱ - چهارشنبه - ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

^۲ - النوبة، الاية: ۱۲۲: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

آیه ذکر را دلیل بر مشروعیت تقلید می‌داند « **فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** »^۳ هم روایات تفسیر و هم ظاهر این است که «**اسألوا لاجل العمل**» که حالا در اصل دلالتش بر تقلید تأمل واضح است.

اگر دلیل بر مشروعیت تقلید روایات باشد از روایات متضافره استفاده می‌شود فتوا به خاطر عمل، «**من افتی بغیر علم فعلیه وزر من عمل به**»^۴ نه «**من تعلمه یا من التزم به**» معلوم می‌شود ملاک عمل است.

مؤید این مطلب این است که شما می‌بینید آقایان می‌گویند «**یحرم علی المجتهد تقلید الغير**»، بر مجتهد تقلید از غیر حرام است، این تقلید از غیر حرام است یعنی تعلم فتوای غیر حرام است؟ فتوای مجتهد دیگر را یاد بگیرد حرام است یا التزام به فتوای غیر حرام است؟ روشن است که عمل بر طبق فتوای غیر بر مجتهد حرام است. در مقام دوم به تفصیل ادله را بررسی می‌کنیم. فعلا در این مقام اشاره کردیم تقلید، عمل بر طبق رأی غیر است مستندا الیه.

نکته سوم: ارتباط بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی تقلید

ارتباط بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی تقلید چیست؟ چه مناسبتی بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی است؟ دو مناسبت گفته شده است که تقلید در اصطلاح با تقلید به معنای لغوی دارد.

مناسبت اول: کلام **محقق عراقی** است در **نهایة الافکار** ج ۴ ص ۲۳۸ و شاید ایشان این مطلب را از **شیخ انصاری** در رساله اجتهاد و تقلید^۵ گرفته‌اند.

ایشان می‌فرمایند مقلد و عامی وقتی فتوای مجتهد را اخذ می‌کند گویا فتوای مجتهد را به عنوان یک قلاده به گردن خودش می‌اندازد و می‌گوید من متعبدم و فتوای مجتهد قلاده است به گردن من، لذا این مناسبت دارد و یکی از مصادیق معنای لغوی می‌شود ایشان می‌فرمایند «**و هو اوفق بالمعنی اللغوی**»^۶.

عرض ما این است که این بیان مناسب با معنای لغوی نیست، این نکات ثمره دارد که خواهد آمد. چرا این تفسیر مناسب با معنای لغوی نیست؟ به خاطر اینکه ما در معنای لغوی تقلید گفتیم تقلید «**جعل القلادة فی عنق الغير**» است، اگر کسی چیزی را به عنوان قلاده به گردن خودش بیندازد عرب به او می‌گوید تقلد از باب تفعّل، «**تقلد سیف فی عنقه**» آن تقلد است نه تقلید. تقلید «**جعل القلادة فی عنق الغير**» است لذا اگر این معنایی که **محقق عراقی** می‌گویند مناسب با تقلید باشد مقلد و مقلد یکی می‌شود و حال اینگونه نیست. لذا قبلا توضیح دادیم که بعدا اشاره به بعضی از روایات می‌کنیم که تقلید یعنی مسؤولیت عمل خودش را در حقیقت به گردن مجتهد می‌گذارد «**جعل القلادة فی عنق الغير**».

معنای دوم جعل القلاده فی عنق الغير است که اشاره می‌کنیم. خواهد آمد.

۳ - النحل ، الآیه ۴۳ ، الانبیاء ، الآیه ۷: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

۴ - وسائل الشیعة؛ ج ۲۷، ص: ۲۰: «۳۳۱۰۰- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ- لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ- وَ لَحِقَهُ وَرْزٌ مِنْ عَمَلٍ يُفْنِيَاهُ».

۵ - الاجتهاد و التقليد (للشيخ الأنصاري)؛ ص: ۴۷: «و يشهد للثاني كونه اوفق بالمعنى اللغوي و أظهر في عرف المنتشرة و لذا يقال: ان العمل الفلاني وقع عن تقليد الا ان يراد انه وقع على جهة التقليد». مقرر: ظاهرا مقصود حضرت استاد این عبارت شیخ انصاری باشد.

۶ - نهایة الافکار جلد : ۴ صفحه : ۲۳۸: «(ولا يخفى) أن التفسير الاول وإن كان اوفق بالمعنى اللغوي، ولازمه تحقق عنوانه بصرف أخذ الرسالة وتعلم المسائل، لصدق المقلد حقيقة على الأخذ بفتوى الغير للعمل بها وإن لم يعمل بعد بفتواه لفسق أو لعدم وقوع العمل مورد ابتلائه (إلا) أن الاشكال في قيام الدليل على وجوبه بهذا المعنى».